

Recognizing Metaphors of Spiritual Transformation in *Sharh-e Chehel Hadith* by Imam Khomeini¹

Mohammad Roodgar¹ 

Ahmad Shakernejad² 

Fatemeh Tabatabaei³ 

Ahmad Forouzanfar⁴ 

1. Assistant Professor, Islamic Mysticism Department, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: roodgar@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: a_shakernejad@sbu.ac.ir

3. Associate Professor, Islamic Mysticism Department, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.

Email: tabatabaei.fa@gmail.com

4. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

Email: forouzanfar@shahed.ac.ir

Abstract

In *Sharh-e Chehel Hadith*, multiple interpretations of spiritual transformation are presented. At first glance, it is unclear which interpretation Imam Khomeini primarily adopts in explaining this transformation. At times, Imam Khomeini speaks of a linear progression in spiritual conduct, describing stages and stations along the journey. However, he also conceptualizes spiritual transformation not as a journey,

1. **Cite This Article:** Roodgar, M., Shakernejad, A., Tabatabaei, F., & Forouzanfar, A. (2025). Recognizing metaphors of spiritual transformation in *Sharh-e Chehel Hadith* by Imam Khomeini. *Islamic Spirituality Studies*, 3(6), pp. 103-139.
<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.71028.1126>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2025/02/06 • **Revised:** 2025/03/08 • **Accepted:** 2025/03/08 • **Published online:** 2025/06/13

© The Authors



but rather as the unveiling of inner layers, spiritual flourishing, and the removal of veils. The main objective of this study is to examine how spiritual transformation is depicted in *Sharh-e Chehel Hadith* and to identify its various aspects. This study applies the conceptual metaphor theory of Lakoff and Johnson along with the methodological approach of Charteris-Black to address the following questions: What source domains does Imam Khomeini utilize to explain spiritual transformation, and how are they interconnected? How do Imam Khomeini's metaphorical expressions relate to different dimensions of spiritual transformation (the target domain), and how do they elucidate its internal structure? The findings reveal that in addition to the travel metaphor, Imam Khomeini employs other source domains such as light and darkness, servitude, trials, medicine, purification, knowledge, and warfare. The common conceptual theme across all these metaphors is *movement*, with *resistance against deviation* emerging as a key conceptual component in his works for constructing metaphors.

Keywords

Spiritual Transformation, Conceptual Metaphors, Imam Khomeini, Practical Mysticism.

بازشناسی استعاره‌های تحول معنوی در «شرح

چهل حدیث» امام خمینی علیه السلام



محمد رودگر^۱  احمد شاکر نژاد^۲  فاطمه طباطبایی^۳  احمد فروزانفر^۴ 

۲. استادیار، گروه عرفان اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: roodgar@gmail.com

۳. استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: a_shakernejad@sbu.ac.ir

۴. دانشیار، گروه عرفان اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

Email: tabatabaaii.fa@gmail.com

۵. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: forouzanfar@shahed.ac.ir

چکیده

در کتاب «شرح چهل حدیث» چند قرائت از تحول معنوی ارائه شده است. در نگاه اول مشخص نیست امام خمینی علیه السلام به کدامیک از قرائت‌ها در تبیین تحول معنوی گرایش دارد. گاهی امام از مراتب خطی سلوک و طی سفر و مسافت سخن به میان می‌آورد و از منازل و مقامات می‌گوید و گاهی تحول معنوی را نه به شکل سفر بلکه به شکل فتح لایه‌های درون یا شکوفایی و کشف حجاب تبیین می‌کند. مسئله اصلی این مقاله بررسی چگونگی ترسیم تحول معنوی در کتاب شرح چهل حدیث و شناسایی وجوه مختلف آن است. در مقاله حاضر تلاش می‌شود با کمک نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون و روش اجرایی چارتریس بلکه به این سؤالات پاسخ دهیم: اساساً امام خمینی علیه السلام برای تبیین تحول

۱. **استناد به این مقاله:** رودگر، محمد؛ شاکر نژاد، احمد؛ طباطبایی، فاطمه؛ فروزانفر، احمد. (۱۴۰۳). بازشناسی

استعاره‌های تحول معنوی در «شرح چهل حدیث» امام خمینی علیه السلام. معنویت‌پژوهی اسلامی، ۳(۶)، صص ۱۰۳-۱۳۹.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.71028.1126>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳



معنوی از چه حوزه‌های مبدائی بهره برده و چه ارتباطی بین آن‌ها برقرار کرده است؟ تعابیر استعاره‌ای امام چه ارتباطی با وجوه و ساحات تحول معنوی (حوزه مقصد) دارند و چگونه روابط درونی حوزه مقصد یعنی تحول معنوی را تبیین می‌کنند؟ یافته تحقیق آن است که امام خمینی نه تنها از حوزه مبداء مسافرت بلکه از حوزه‌های مبداء دیگری مانند نور و تاریکی، بندگی، امتحان، طبابت، طهارت، علم، جنگ و ... نیز استفاده کرده است. وجه مشترک تمام این استعاره‌های مفهومی «حرکت» است. البته در کنار حرکت «مقاومت در برابر انحراف» نیز کلید مفهومی مهمی در آثار ایشان برای ساخت استعاره‌ها است.

کلیدواژه‌ها

تحول معنوی، استعاره‌های مفهومی، امام خمینی، عرفان عملی.

مقدمه

در آثاری که درباره عرفان عملی در اسلام نوشته شده، آنچه آشکار است ترسیم تحول معنوی به شکل خطی و استفاده از استعاره‌هایی چون راه، صراط، مقام، منزل و... است (بثربی، ۱۳۸۹). به جهت غلبه این نگاه است که عمدتاً در عرفان اسلامی، تحول معنوی را سلوک یا سیر و سلوک می‌نامند (رضایی تهرانی، ۱۴۰۰). اما تمام ماجرای تحول معنوی قابل تبیین با تعبیر «سلوک» نیست؛ به عبارت دیگر می‌توان قرائت دیگری نیز از تحول معنوی در عرفان اسلامی یافت که تعبیر «سلوک» و استعاره «سفر» را اصل قرار نداده است و برای تبیین تحول معنوی با زبان بازگشت، مقاومت، فتح، شکوفایی، زایش و تبدل سخن گفته است. در این ادبیات بیش از آنکه به حوزه مبدأ سفر توجه شود به حوزه مبدأ جنگ، عشق، امتحان، طبابت، طهارت یا کیمیاگری توجه شده است.

وقتی به سراغ آثار امام خمینی در عرفان عملی می‌آییم می‌بینیم چند قرائت از تحول معنوی وجود دارد و در نگاه اول معلوم نیست امام خمینی به کدام قرائت تعلق دارد. گاهی امام از مراتب خطی سلوک و طی سفر و مسافت سخن به میان می‌آورد و از منازل و مقامات می‌گوید (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۴۲، ص ۱۵) و گاهی نیز تحول معنوی را نه به شکل سفر بلکه به شکل فتح لایه‌های درون یا شکوفایی و کشف حجاب‌های ظاهر و باطن تبیین می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲).

مسئله تحقیق حاضر آن است که در کتاب شرح چهل حدیث چه استعاره‌هایی برای ترسیم فرآیند تحول معنوی وجود دارد. آیا ایشان برای تبیین تحول معنوی از یک حوزه مبدأ بهره برده‌اند، یا اینکه از چند حوزه مبدأ استفاده کرده، و چه ارتباطی بین آنها برقرار کرده‌اند؟ چه مضمون پایه یا به عبارت دیگر چه کلید مفهومی‌ای در پس انواع استعاره‌های امام خمینی & برای بیان تحول معنوی وجود دارد؟ البته ارتباط بین این استعاره‌های مفهومی و مبانی نظری امام در عرفان عملی یعنی بحث هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و خداشناسی تحول معنوی مسئله مهمی است که خود نیازمند کار مستقلی است و این مقاله بدان نمی‌پردازد.

هرچند تاکنون پژوهش‌های متعددی به مبحث عرفان عملی امام خمینی پرداخته‌اند اما درباره مسئله حاضر یعنی ترسیم مراحل تحول معنوی، پژوهش‌ها اندک است.

به عنوان مثال فائزه بالایی و سید محمود یوسف ثانی در مقاله تبیین مدل‌های مختلف بیان مقامات و منازل عرفانی بر اساس دیدگاه امام خمینی علیه السلام (۱۳۹۹) که از رساله دکتری با عنوان «آراء اختصاصی امام در عرفان عملی» (۱۳۹۷) استخراج شده، تلاش کرده‌اند درکی از عدم رعایت ترتیب مرسوم منازل سلوک در آثار امام نشان دهند. البته مسئله‌ای که این تحقیق بنا بر حل آن دارد این است که چرا امام خمینی علیه السلام در عین حال که از بیان مقامات و منازل سلوک به شکل مرحله به مرحله اجتناب کرده اما به بیان مقامات کلی پرداخته است. پیشفرض نویسندگان آن است که مدل اصلی تبیین مقامات و منازل سلوک، مدل خطی و طولی است و اگر امام خمینی علیه السلام به این مدل پایبند نبوده و در جایی خلاف آن حرکت کرده است، باید به توجیه آن پرداخت. در این تحقیق بیان شده است که چون مراتب و مقامات سلوک بی‌شمار و متنوع است، امام خمینی علیه السلام به شکل گزینشی عمل کرده و کلیات آن را بیان کرده است (بالایی و یوسف ثانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۰). محققان چهار دلیل برای توجیه این رویکرد امام خمینی علیه السلام بیان می‌کنند: ۱. تناسب منازل و مقامات سلوکی با حالات قلبی، ۲. نامتناهی بودن منازل و مقامات، ۳. در نظر نگرفتن نهایت سلوک، و ۴. عدم امکان احصاء جمیع مراتب سلوک.

البته پژوهش‌های دیگری را نیز می‌توان در این زمینه یافت که ارتباط کمتری با مسئله و ایده تحقیق حاضر دارند. به عنوان مثال می‌توان از این پژوهش‌ها یاد کرد: مقاله «مراحل سیر و سلوک عرفانی از منظر امام خمینی علیه السلام»، نوشته هادی و کیلی و الهه هادیان (۱۳۸۷)، «اسفار اربعه عرفانی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و حکیم قمشه‌ای»، نوشته هادی و کیلی و پریسا گودرزی (۱۳۹۲)، و «عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت و ساختار آن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام» نوشته جعفر هوشیاری و دیگران (۱۳۹۸).

اما پژوهش حاضر با کمک چارچوب نظری جدیدی که برخاسته از نظریه استعاره‌های مفهومی و روش تحلیل انتقادی استعاره است نشان می‌دهد که امام خمینی علیه السلام به جهت ذواب‌بودن پدیده سلوک، خود را محصور در رویکرد خطی خواجه عبدالله و شارحان منازل السائرین نکرده است و با الهام از دیگر الگوهای سلوکی تلاش کرده دیدگاهی جامع‌تر در تبیین وجوه مختلف تحول معنوی ارائه کند.

در نظریه استعاره‌های مفهومی نقش استعاره ایجاد شناخت برای یک حوزه ناشناخته بر اساس یک حوزه شناخته دانسته می‌شود (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۸، صص ۹-۱۲). این شناخت در سطح مفاهیم روی می‌دهد و نه در سطح الفاظ (فروزانفر، ۱۳۹۸، ص ۳۵۰). پس در استعاره مفهومی مفاهیم ناشناخته بر اساس مفاهیم شناخته‌شده درک می‌شوند، اما باید دانست که هیچ استعاره‌ای بی‌طرف نیست، بلکه به موقعیت وابسته است. از اینجاست که تکمله‌های چارتریس بلک بر نظریه استعاره‌ای مفهومی آغاز می‌شود. وی با تلفیق نظریه استعاره‌های مفهومی و تحلیل گفتمان، روشی به نام تحلیل انتقادی استعاره می‌سازد. روش وی در مرحله اول و دوم که تشخیص و تفسیر استعاره است، بر همان اصول لیکاف و جانسون (در نظریه استعاره‌های مفهومی) حرکت می‌کند و با نظمی روش شناختی تلاش دارد آن نظریه را در فرآیند تحقیق وارد کند. اما در گام سوم به مرحله تبیین می‌رسد و به دنبال آن است که چرا و چگونه یک استعاره انتخاب شده و چه نقش تبیین‌گر و روشنی‌بخشی برای ارائه فهمی جدید از حوزه مقصد دارد (چارتریس بلک، ۱۳۹۸، صص ۵۰-۵۷).

پس در سطح نظریه، این پژوهش ملتزم به نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون است و در سطح روش اجرا مراحل چارتریس بلک را برگزیده است. وی برای تحلیل انتقادی استعاره سه مرحله را برمی‌شمرد: ۱. تشخیص استعاره، ۲. تفسیر استعاره و ۳. تبیین استعاره. مرحله اول و دوم به شیوه کمی-کیفی انجام می‌شود؛ یعنی برای انجام مراحل مقدماتی خود که کشف و توصیف زبانی استعاره‌هاست، هم به کدگذاری کیفی و هم به شمارش عددی متوسل می‌شود. اما در مرحله تبیین به شیوه‌ای کیفی عمل کرده و به دنبال کشف معنای استعاره‌ها و نقش تبیین‌گری آنهاست. تحقیق حاضر به دنبال آن است تا نشان دهد اولاً استعاره‌هایی که امام خمینی علیه السلام برای تبیین تحول معنوی به کار گرفته است چیست و ثانیاً این استعاره‌ها تحت تأثیر عوامل بیرونی سلوک و مراحل سیر و سلوک چگونه تغییر یافته و ذیل چه چتری دوباره جمع می‌شود. پس ابتدا به روش کمی-کیفی به تشخیص استعاره‌ها و تفسیر آنها اقدام کرده و بعد با روش کیفی به تبیین چرایی و چگونگی انتخاب آنها می‌پردازیم.

البته هم در نگاه دینی و هم در نظریه استعاره‌های مفهومی، این دیدگاه وجود دارد

که محدودیت‌های شناختی ما و محصور بودن در زبان باعث شده است که استعاره‌ها اهمیت یابد. چاترئیس بلک فرازی از انجیل یوحنا را نقل می‌کند که عیسی گفت: «این چیزها را با مثل به شما گفتم، لیکن زمانی می‌آید که دیگر با مثل با شما حرف نمی‌زنم، بلکه از پدر به شما آشکارا خبر خواهم داد» (یوحنا، ۱۶-۲۵). به عبارت دیگر، اگر محدودیت‌های شناختی ما برای درک واقعیت قدسی و محدودیت‌های زبانی ما در تبیین تجارب معنوی نبود شاید نظریه «روح معنا»^۱ و نظریه «استعاره‌های مفهومی» مطرح نمی‌شد؛ زیرا دیگر تنشی بین معنای تحت اللفظی و معنای استعاری شکل نمی‌گرفت.

۱. تشخیص استعاره‌های مفهومی

همانطور که بیان شد، گام‌های اجرایی تحلیل انتقادی استعاره که چاترئیس بلک طراحی می‌کند شامل سه مرحله است: ۱. تشخیص یا انتخاب استعاره، ۲. تفسیر عبارت استعاره‌ای برای یافتن حوزه مبدا، مقصد و کشف کلید مفهومی وحدت‌بخش، و ۳. تبیین ساختار روابط درونی و بیرونی استعاره و چرایی انتخاب آن از میان استعاره‌های ممکن. بر اساس شیوه وی پس از انتخاب پیکره ابتدا باید بر اساس ضوابطی کمی و کیفی متن‌های استعاره‌ای، تشخیص داده شود. سپس استعاره‌های مفهومی از طریق تنش‌های معنایی شناسایی شده و حوزه مبدا و مقصد و نحوه نگاشت استعاره‌ای کشف گردد. هم‌چنین کلید مفهومی که وجه جمع استعاره‌ها است در همین فرآیند شناسایی می‌شود؛ در نهایت نیز با بررسی علل و دلایل انتخاب استعاره و ارتباط بین استعاره‌ها به چرایی ترجیح آن استعاره توجه شود. در عملیات سوم تمرکز بر انتخاب‌هایی است که در تولید متون اعمال شده و عواملی کاوش می‌شود که به‌طور ضمنی در این انتخاب‌ها یا محدود کردن انتخاب‌ها دخیل بوده است (چاترئیس بلک، ۱۳۹۸، ص ۴۵).

انتخاب یا تشخیص استعاره‌ها نیاز به جدول ندارد؛ همان‌طور که تبیین استعاره و شناخت

۱. نظریه وضع الفاظ برای ارواح معنای یا نظریه روح معنا می‌گوید: ویژگی‌های مصادیق در اصل معنا دخالت ندارند بلکه الفاظ متشابه ... به نحو تشکیکی برای مصادیق مجرد در حضرت علمیه به کار رفته‌اند (شیواپور، ۱۳۹۴، ص ۳۴۷).

بافت آن نیز کاملاً کیفی است و جدولی برای آن طراحی نمی‌شود. اما برای بخش تفسیر برای ایجاد امکان مقایسه و همچنین امکان ارائه توضیحات کمی تهیه جدول مفید است. براساس توضیحات فوق، جدول زیر می‌تواند بستر مناسبی برای تفسیر نظام‌مند متن‌ها فراهم آورد:

تفسیر و تبیین استعاره مفهومی						
شماره متن	عبارت استعاری	حوزه مبدا	حوزه مقصد اتفاقات مسیر	نحوه نگاشت	کلید مفهومی ^۱	بار ارزشی
	۱. معراج ۲. جهاد ۳. فتح ۴. سیر (قوس صعود و نزول / تجلی اسمائی) ۵. طهارت ۶. هجرت ۷. عبادت (فرائض و نوافل / ارکان نماز / حضور قلب) ۸. تزکیه و تهذیب	ساختمان (در، پنجره، سقف)، سفر (راه، بار، گام، حرکت، راهنما، صراط، سیل، عقبه، منزل، قافله، مقام، هجرت)، گیاه (ساقه، بذر، شاخه، گل، شکوفایی، میوه، درخت، بوته، ریشه، برداشت و درو)، آب‌وهوا (باد، باران، طوفان، سرما، مه، خشکی، سیل)، آتش و نور (تاریکی، روشنایی، افروختن، مشعل، سایه، شعله، چراغ، درخشیدن، شمع، جرقه، فجر) و مبارزه (نزاع، ریاضت، مجاهده، برد، باخت، اسلحه)، بازی (برد، باخت، ترفند، چابکی، داور)، کیمیا (اکسیر، تبدیل، مس، زر، حرارت، طلسم، کشف، شکوفایی، کنز، استعداد، قوه، مکنون)، طب (طیب، دارو، مریض)، عشق (عاشق، معشوق، نامه، هجران، خیانت).	تحول معنوی (حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، خداشناسی، ارزش‌شناسی یا هنجاری تحول معنوی)	• ساختاری • جهتی • وجودی • نظام‌مند	تجمع مفهومی استعاره‌ها	مثبت و منفی

۱. جمله‌ای است که با نشان دادن رابطه بین تعدادی استعاره مفهومی تنش بین آنها را رفع می‌کند (چارتریس بلک، ۱۳۹۸، ص ۳۵). کلید مفهومی از تعدادی از استعاره‌های مفهومی استنتاج می‌شود و در سطحی بالاتر می‌تواند نحوه ارتباط استعاره‌های مفهومی متعدد را به ما نشان دهد و تنش معنایی میان آنها را رفع می‌کند (دولتی، میردهقان، قائمی نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۶۳).

تشخیص استعاره‌های مفهومی مربوط به تحول معنوی در آثار امام خمینی کاری دشوار است و انجام آن نیازمند این امر است که به شکل معتبر کلیدواژگانی برای جستجو در آثار مربوطه در دست داشته باشیم. علاوه بر این باید راهی برای این امر بیابیم که عبارات استعاری را از عبارات تحت‌اللفظی تشخیص دهیم. راهکاری که پژوهش حاضر در پیش گرفته آن است که با کاوش در تراث متصوفه و بررسی طرح‌های موازی تحول معنوی در آثار آنها و همچنین با بررسی اصطلاحات سلوکی به کلیدواژگانی برای تشخیص استعاره‌ها دست یابد. برای افزودن به اعتبار این کلیدواژگان تطبیق آنها بر طرح‌های تحول معنوی در آثار امام (البته به کمک پژوهش‌های قبلی) نیز انجام می‌شود تا بر دقت این تعابیر و کلیدواژگان افزوده شود. کلیدواژگان به دست آمده راهنمایی برای جستجو در دامنه منتخب و یافتن استعاره‌ها هستند.

گفته شد که در تراث متصوفه طرح حال و مقام و نظریه سلوک مراتبی، چنان در ترسیم فرآیند تحول معنوی موفق بود که عمده‌تاً برای تبیین این فرایند از همین طرح استفاده می‌شد (راشدی‌نیا، ۱۳۹۱، صص ۵۴-۵۶). اما در کنار این طرح، طرح‌هایی دیگر را می‌توان یافت که براساس سنت‌های متفاوت طراحی شده‌اند و تحول معنوی را صرفاً طی منازل یک سفر نمی‌دانند. این طرح‌ها را به طور کلی طرح‌های موازی می‌نامیم که به شکل پسینی و به زبان محاکات تجارب قبلی، سلوک را بازخوانی کرده و مسیر تحول را به اشکال گوناگون نشان داده‌اند. پس مهم‌ترین طرح سلوکی یا طریقت سلوکی از قرن سوم تا ششم، طریقت مراتبی است که به بیان منازل سلوک از چهار تا هزار مرتبه پرداخته‌اند. اما طرح‌های موازی دیگری نیز وجود دارد که به جریان‌سازی و شکل‌دهی به تجارب تحول معنوی به گونه‌ای متفاوت اقدام کرده‌اند. برخی از محققان، طرح‌های سلوکی که به موازات طرح منازلی توانسته‌اند تعیین بیابند را بدین قرار می‌دانند: ۱. طریقت کیمیا، ۲. طریقت فتوت، ۳. طریقت شطار، ۴. طریقت تجرید (اشراق)، و ۵. طریقت وجه خاص (حسن‌زاده کریم‌آباد، ۱۳۹۸). البته با رجوع به سنخ‌شناسی‌های متصوفه، خصوصاً مقدمه اصول عشره نجم کبری و اطوار ثلاثه ابن‌ترکه

می توان این گونه های موازی سلوک را به این شکل ترسیم کرد:

۱. طریق زهاد و عباد / اخیار (سلوک سخت کوشی / معامله است)

۲. طریق مراتب (سلوک مسافرت است)

۳. طریق شطار / محققان (سلوک موت ارادی و تصفیه مدام است، سلوک تبدیل شدن است)

۴. طریق وجه خاص (سلوک یکی شدن است، سلوک بازگشت به اصل است).

مبنای پژوهش حاضر برای یافتن کلیدواژگان استعاری همین سنخ شناسی هاست که به آنها «مدل های موازی سلوک» می گوئیم. متصوفه ابتدا مدل های موازی سلوک را در قالب تقسیم بندی دووجهی سکر و صحو، یا خراسان و بغداد تبیین می کردند. اما این دوگانه ها برای دورانی است که هنوز طریقت های صوفیه تعیین نیافته بود. اما از قرن ششم به بعد شاهد شکل یابی طرایق صوفیه و پررنگ شدن تمایزات آنها هستیم. از همین دوران است که حدیث مشهور در میان صوفیه یعنی الطرق الی الله بعدد انفاس الخلاق به گونه ای تفسیر می شود که مصادیق آن طرایق متنوع صوفیه باشد و این طرایق تحقق خارجی آن کثرت به حساب آیند.

دو تقسیم بندی معروف، یعنی تقسیم بندی سالکان به اخیار و ابرار و شطار (منسوب به نجم کبری) و تقسیم بندی سلوک به وجه عام و وجه خاص (منسوب به ابن عربی) و تکمله ها یا ویرایش های این دو تقسیم بندی که مربوط به شاگردان نجم کبری و ابن عربی است از قرن هفتم بر تقسیم بندی های قبلی مانند سکر و صحو یا خراسان و بغداد غلبه یافت و در آثار مختلف رواج یافت. حتی تقسیم بندی ها و گونه شناسی های دیگر مانند سالک مجذوب و مجذوب سالک یا گونه هایی مانند طریق کیمیا یا طریق فتوت نیز در ذیل همین دو گونه شناسی معروف جای گرفت (پیغمبری، ۱۳۹۹، صص ۱۴۶-۱۴۸).

در واقع با تسلط کتاب های درسی صوفیه در قرن چهارم (اللمع سراج، کشف المحجوب هجویری، رساله قشیریه و...) و رواج طریقت مراتبی، آن وجد و حال و انا الحق گویی قرن سوم مهار شد. پس دیگر به تقسیم بندی صحو و سکر نیازی نبود و تجارب عرفانی صوفیه منسجم شد و در قالب حالات و مقامات و در کتاب هایی علمی

به دیگران عرضه می‌شد. با این حال روحیه عرفان سکری که مبتنی بر عشق، شور، حال و به عبارت امروزی تجربه عرفانی بود، همچنان در میان افرادی چون احمد غزالی، عین‌القضات همدانی، شمس تبریزی و از همه مهم‌تر نجم‌الدین کبری زنده ماند. طریقت شطار که به نام نجم‌الدین کبری ثبت شده است، احیا و ساختارمند کردن همین رویکرد و البته استمرار مدلی در تحول معنوی است که بر تقدم حال بر مقام، سکر بر صحو و جذب بر سلوک تأکید داشت. طریق وجه خاص نیز مانند طریق شطار بازگشت به دوران وجد و حال اولیه و احیای سلوک بر مبانی سکر و عشق بود اما اولاً در سوی دیگری از جهان اسلام یعنی در شمال افریقا شکل گرفت و ثانیاً بیشتر از طریق شطار به مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی این تحول معنوی می‌پرداخت.

برای یافتن استعاره‌های تحول معنوی در کتاب شرح چهل حدیث به دو شیوه عمل شده است. اول متن‌هایی که محققان قبلی تصریح کرده‌اند که حاوی مطالبی درباره مدل سیروسلوک است بررسی شده است، دوم به کمک کلیدواژه‌هایی که از پژوهش‌های قبلی و همچنین مطالعه مدل‌های موازی سلوک در تصوف و اصطلاحات مربوط به آنها به دست آمده دامنه موردنظر بررسی شده و عبارات استعاری که حاوی نکاتی درباره مدل تحول معنوی است شناسایی شده است.

کلیدواژگان مرتبط با تحول معنوی در چهار مدل موازی سلوک بدین قرار است:

طریق زهاد و عباد / اخیار (سلوک سخت‌کوشی / معامله است)	طریق مراتب (سلوک مسافرت است)	طریق شطار / محققان (سلوک موت‌ارادی و تصفیه مدام است، سلوک تبدیل‌شدن است)	طریق وجه خاص (سلوک یکی‌شدن است، سلوک بازگشت به اصل است)
— زهد	— مراتب	— اکسیر اعظم	— اسم اعظم
— عبادت	— مقامات	— تناسخ ملکوتی	— اسم مستأثر
— احکام شرع	— منازل	— تبدیل	— تجلی اسمایی

طریق زهاد و عباد / اخيار (سلوك سخت كوشى / معامله است)	طریق مراتب (سلوك مسافرت است)	طریق شطار / محققان (سلوك موت ارادى و تصفيه مدام است، سلوك تبديل شدن است)	طریق وجه خاص (سلوك يکى شدن است، سلوك بازگشت به اصل است)
- فرايض	- مواقف	- تبديل	- وجه خاص
- تمسك	- درجات	- تزكيه	- عين ثابتة
- تعبد	- حال و مقام	- ولادت ثانوى	- سرالقدر
- تقوا	- ترتيب	- تبديل مزاج	- مظهریت اسمایی
- ابتلا/ آزمون	- عقبات	- تطهير	- سلوك اسمایی
- علم	- مراحل	- ظلومى و جهولى	- سلوك عبادى
	- سالک مجذوب	- موت ارادى	- تربيت اسمایی
	- ايمان	- خروج از بيت نفس	- ظلومى و جهولى
		- قيامت صغرى	- موت ارادى
		- تبديل نشئه	- انكسار نفس
		- ولادت انسانیه، ولادت	- قرب وريدى
		- ثانويه	- قرب نوافل
		- فعليت يا قوه به فعل	- مجذوب سالک
		- انكسار نفس	- مشاهده
		- انقطاع	
		- هجرت	
		- عشق	
		- طب روحانى	
		- قرب نوافل	
		- مجذوب سالک	
		- طمانينه	

کلیدواژگانی که براساس طرح‌ها و اصطلاحات سلوکی یافت شد، با تطبیق بر آثار امام خمینی علیه السلام پالایش شد و بر دقت آنها افزون گشت. راهکارهایی که برای تطبیق و افزودن بر دقت آنها به کار گرفته شد عبارتند از: ۱. مطالعه آثار عرفان عملی امام و بررسی روابط همنشینی و جانشینی، ۲. مطالعه مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط و تطبیق بر یافته‌های دیگران، ۳. مطالعه مداخل مرتبط در دانشنامه امام، و ۴. اظهارات افراد مطلع.

براساس تطبیق کلیدواژه‌ها بر ادبیات موجود در آثار عرفان عملی امام خمینی با روش فوق تعابیر استعاری زیر به دست آمد:

حوزه واژگانی	کلیدواژگان استعاری
کلیدواژگان عمومی	قرب / تقرب، سیروسلوک، سفر معنوی، تهذیب، سفر روحانی، سفر معنوی، معنویت، تزکیه، تهذیب، ابتلا، درجات، اطوار، مراتب سلوک، سالک، قدم / منزل / مقام / مرتبه / درجه، سالک الی الله، مرتبه، موقوف، مجاهد، طریق کمال / کمالات / استکمال جذبه / جذبات / مجذوب، تعالی، تحول روحی، هدایت، تربیت معنوی.
تعابیر مربوط به طریق معاملت / مجاهدت	جهاد با نفس، عبادت، مراقبت، مواظبت، مداومت، طب روحانی.
تعابیر مربوط به سلسله ترتیب / طریق مراتبی / وجه عام (رفتن)	حالات و مقامات، منازل صدگانه، عقبات سلوک، منازل هزارگانه، هفت شهر عشق، لهما درجات، منزل میدان، وادی اسفار، هجرت، زاد و راحله، معراج.
تعابیر مربوط به طریق شطار و وجه خاص (بازگشتن)	تلوین، تمکین، تحقیق، تخلیه، تجلیه، تعین، تخلق، تحقق، مراتب، فتح، مراتب طهارت، مراتب تواضع، شروط و اصول سلوک، حجاب‌های نور و ظلمت.

موارد یافت‌شده در دو جدول فوق مبنای جستجوی استعاره‌ها در کتاب شرح چهل

حدیث است. پس از یافتن استعاره‌ها (یعنی طی کردن مرحله تشخیص)، دو مرحله دیگر، یعنی تفسیر و تبیین نیز به شکل زیر طی شده است:

۲. تفسیر استعاره‌ها

قدم، منزل، مقام، مرتبه، درجه، سیر، سفر، سلوک و سیروسلوک در آثار امام خمینی مترادف یکدیگر به کار رفته‌اند و آنها را کلیدواژگان عمومی به حساب می‌آوریم. برای اینکه در دامنه موردنظر به استعاره‌های تحول معنوی برسیم به شکل ترکیبی کلیدواژه‌های عمومی مربوط به تحول معنوی را با کلیدواژه‌هایی که مربوط به هریک از چهار مدل تحول معنوی است در کنار هم جستجو می‌کنیم. سپس با تجمیع یافته‌ها و در کنار هم نهادن آنها به استعاره‌های مفهومی دست می‌یابیم. با یافتن دال محوری چند استعاره مفهومی، کلید مفهومی نیز کشف خواهد شد.

با توجه به اینکه ارائه همه استعاره‌ها حجم پژوهش را بسیار بالا می‌برد، بعد از بیان اطلاعات آماری و حاصل پژوهش کمی، در هنگام ارائه تحلیل‌های کیفی به برخی استعاره‌ها به شکل نمونه پرداخته می‌شود و سعی می‌گردد براساس جدول طراحی شده خوانشی تحلیلی از محتوای استعاره ارائه شود. لازم به ذکر است که چارتریس بلک نیز در تحلیل استعاره‌های قران و استعاره‌های انجیل همین روش را طی کرده و از هر استعاره به ذکر نمونه‌ای بسنده کرده است.

رویه اجرای این تحقیق چنین است که برای شناسایی استعاره‌ها و سپس طبقه‌بندی آنها از طریق واژگان حوزه مبدأ اقدام شده است. ابتدا شواهد کمی در نمونه مورد بررسی جمع‌آوری شده و سپس با انتخاب متن‌های مرتبط به تحلیل کیفی استعاره‌ها و شناسایی نحوه نگاشت در هر استعاره اقدام می‌شود. البته برای اینکه تضمین بیشتری داشته باشیم و استعاره‌ای را از دست ندهیم همان کلیدواژگان شناسایی شده در طرح‌های تحول معنوی مبنای جستجوی اولیه در این فصل است. یافته تحقیق حاضر شناسایی ۲۴ استعاره مفهومی در کتاب شرح چهل حدیث امام خمینی است که از مبادی مختلف برای تحول معنوی استعاره‌هایی را ساخته‌اند و به این شکل ابعاد گوناگون آن را به تصویر

کشیده‌اند. در ادامه موارد یافت شده ارائه و نمونه‌هایی از متون مربوطه ذکر می‌شود. موارد شناسایی شده عبارتند از: ۱. تحول معنوی مسافرت است، ۲. تحول معنوی مهاجرت است، ۳. تحول معنوی رفتن به سمت نور است، ۴. تحول معنوی تقرب است، ۵. تحول معنوی خروج از خانه است، ۶. تحول معنوی معراج است، ۷. تحول معنوی عاشقی است، ۸. تحول معنوی تکبیر است، ۹. تحول معنوی فتح است، ۱۰. تحول معنوی استقامت است، ۱۱. تحول معنوی جهاد است، ۱۲. تحول معنوی سختی کشیدن است، ۱۳. تحول معنوی امتحان است، ۱۴. تحول معنوی مراقبت است، ۱۵. تحول معنوی طبابت است، ۱۶. تحول معنوی علم است، ۱۷. تحول معنوی نابودشدن است، ۱۸. تحول معنوی بندگی است، ۱۹. تحول معنوی ذلت است، ۲۰. تحول معنوی طهارت است، ۲۱. تحول معنوی زنگارزدایی است، ۲۲. تحول معنوی کشف حجاب است، ۲۳. تحول معنوی تبدیل است، و ۲۴. تحول معنوی تولد دوباره است.

برای آشنایی با نحوه شناسایی و تفسیر کمی و کیفی استعاره‌ها به ذکر دو مورد از ۲۴ مورد اکتفا می‌شود. این دو مورد عبارتند از: ۱. تحول معنوی مسافرت است، و ۲. تحول معنوی طهارت است:

۱-۲. تحول معنوی مسافرت است

در کتاب شرح چهل حدیث وقتی به جستجوی استعاره مسافرت (یعنی تحول معنوی مسافرت است) برمی‌آیم با این واژگان در حوزه مبدأ روبه‌رو می‌شویم: سفر، مسافرت، اسفار، منزل و منازل. فراوانی این کلمات حوزه مبدأ در کتاب شرح چهل حدیث به شکل زیر است:

حوزه واژگانی	کلیدواژه	تعداد
مسافرت رفتن	مسافرت	۱۱
	سفر	۳۶

حوزه واژگانی	کلیدواژه	تعداد
	اسفار	۰ (موارد مربوط به اسفار اربعه تحت اللفظی بود و از بررسی خارج شد)
	منزل	۵۶
	منازل	۱۵
	قطاع الطريق	۲
	زاد و راحله	۳
جمع		۱۲۰

البته کلمه منازل ۳۶ مورد یافت شد اما با تفریق مواردی که مربوط به منازل السائرین است حاصل آن ۱۵ مورد می‌شود. همچنین اسفار در دامنه مورد بررسی نه به معنای سفرهای سلوکی بلکه همان اسم کتاب ملاصدرا است که ۱۵ بار در پاورقی‌های توضیحی مصحح مندرج شده است و برای همین از نمونه‌ها خارج شد.

استعاره «تحول معنوی مسافرت است» ریشه در ادبیات قرآنی دارد. توصیف تحول معنوی با استعاره سفر با واژگانی چون صراط، سبل، طریق و هدایت در قرآن آمده است. همین پشتوانه قرآنی باعث شده است که در عرفان اسلامی این استعاره بسیار پرکاربرد باشد. در تصوف، آغازین مباحث سلوکی غالباً با همین استعاره مفهوم‌سازی شده و الگوهای متعدد منازلی شکل گرفته است. امام خمینی نیز هرچند به قالب‌های خشک و بی‌روحي چون قالب صدمنزل خواجه عبدالله تعبید نورزیده، اما برای ترسیم کلیت تحول معنوی از این استعاره بهره جسته است. در آثار امام تعبیری چون سیر الی الله، سفر، سلوک، مهاجرت، طریق، سیل و... از این دست است. البته موضوع اسفار اربعه فراتر از تحول معنوی است و سفر دوم تا چهارم در واقع هستی‌شناختی و مربوط به عرفان نظری است و ربطی به مباحث تحول معنوی ندارد. جالب است که امام خمینی

نیز این مبحث را در کتاب‌های عرفان عملی خود نیاورده است. در زیر نمونه‌ای از استعاره «تحول معنوی مسافرت است» ارائه می‌شود:

اول شرط تحقق سیر إلى الله خروج از بیت مظلّم نفس و خودی و خودخواهی است، چنان‌چه در سفر حسی عینی تا انسان به منزل و جایگاه خویش است، هر چه گمان مسافرت کند بگوید من مسافرم، مسافرت تحقق پیدا نکند. مسافرت شرعی [تحقق پیدا نکند] مگر به خروج از منزل و اختفای آثار بلد؛ همین‌طور این سفر عرفانی إلى الله و مهاجرت شهودی تحقق پیدا نکند مگر به خروج از بیت مظلّم نفس و اختفای آثار آن. تا جدران تعینات و دعوت اذان کثرت در کار است، انسان مسافر نیست، گمان مسافرت است و دعوی سیر و سلوک است (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۶۲۵).

شماره حدیث	بافت متن	حوزه مبدا	طرح‌واره تصویری	حوزه مقصد (اتفاقات سلوک)	نگاشت (سطح و مرتبه تحول)	باهم‌آیی / لانه‌گیری	کلید مفهومی (دال محوری)	بار ارزشی
حدیث ۳۷	بیان مراد از اعرافوا الله بالله	مسافرت	حرکت	شروع تحول معنوی	خروج از منزل برای شروع مسافرت بر خروج از نفس برای شروع سلوک نگاشته شده است	مهاجرت	رفتن	مثبت

۲-۲. تحول معنوی طهارت است

استعاره تحول معنوی کیمیاست، از استعاره‌های مورد تأکید طریقت شطار و شاگردان نجم کبری است. این استعاره را در طریقت وجه خاص نیز می‌توان مشاهده

کرد. کیمیاگری معنوی به عنوان فرایند تطهیر و پالایش جان، استعاره‌ای کارآمد برای تبیین تحول معنوی بوده است. اما امام خمینی برای نشان دادن این وجه از تحول معنوی به جای حوزه مبدأ کیمیاگری از حوزه مبدأ تطهیر استفاده می‌کند. حوزه مبدأ کیمیاگری نه تنها قرآنی نیست، بلکه حتی از لحاظ فقهی هم زیرمجموعه علوم غریبه قرار می‌گیرد، پس طبیعی است که برای امام خمینی استفاده از این حوزه مبدأ موجه نباشد (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۶). اما تطهیر و شبکه واژگانی آن مورد تأکید قرآن و در ادبیات فقهی نیز حضور پررنگ دارد. کلیدواژه‌های ساخت این استعاره در کتاب شرح چهل حدیث عبارتند از: تطهیر، قاذورات، قذورات، طهارت، تزکیه، پاک و پاکیزه، تخلیه، ارجاس و اخبات، رفض، تخلی، تحلیه و تهذیب. کلمه کیمیا تنها در یک مورد به کار رفته و آن هم معنای استعاری ندارد. علاوه بر این به عنوان یک علم نیز با شک و تردید و تعیین قیود به آن نگریسته می‌شود.^۱

حوزه واژگانی	کلیدواژه	تعداد
پاکسازی	تطهیر	۴ (۲ مورد تحت اللفظی بود و کنار گذاشته شد)
	قاذورات، قذورات	۱
	طهارت	۷ (۱۵ مورد تحت اللفظی بود)
	تزکیه	۵
	کیمیا	۱

۱. «دیگر آنکه ضرر می‌رساند به حال انسان و او را از وظایف لازمه خود منصرف می‌کند. و این قسم از علوم مذمومه است که نباید انسان پیرامون آنها گردد، مثل علم سحر و شعبده و کیمیا و امثال آن. و سوم آنکه ضرر و نفعی ندارد، مثل آنکه فضول اوقات را انسان به واسطه تفریح صرف بعضی آنها کند، مثل حساب و هندسه و هیئت و امثال آن. و این قسمت از علوم را اگر انسان بتواند تطبیق با یکی از علوم ثلاثه نماید خیلی بهتر است، و الا حتی الامکان اشتغال پیدا نکردن به آنها خوب است، زیرا که انسان عاقل پس از آنکه فهمید که با این عمرهای کوتاه و وقت کم و موانع و حوادث بسیار نمی‌تواند جامع جمیع علوم و حائز همه فضایل شود، باید فکر کند که در علوم کدام یک به حال او نافع تر است و خود را به آن مشغول کند و تکمیل آن نماید» (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۳۹۶).

حوزه واژگانی	کلیدواژه	تعداد
	پاک و پاکیزه	۲۲
	تخلیه / تخلی	۱
	ارجاس و اخبات	۱
	رفض	۴
	طاهر	۵ (۱۱ مورد غیراستعاره‌ای)
	تحلیه	۱
	تهذیب	۱۰ مورد از ۱۸ مورد استعاری است (۸ مورد اسم کتاب است و تحت اللفظی)
جمع		۶۲

تطهیر خود دارای درجاتی است. امام در برخی متن‌های استخراج شده، از تطهیر ظاهری و در برخی از تطهیر باطنی به معنای پاکیزگی از رذایل اخلاقی یاد کرده است. امام خمینی بر مبنای آیه ۳۳ سوره احزاب، ائمه عصمت و طهارت را صاحب تطهیر کامل دانسته است. افق اعلای تطهیر که در ائمه متجلی است در نمونه زیر تبیین شده است. این نمونه نشانه غایت تحول معنوی است که در این افراد تجلی یافته است:

احادیثی که در طینت ابدان و خلق ارواح و قلوب آنها و آنچه که به آنها از اسم اعظم عطا شده... و آن آیه «تطهیر» است که از طرق عامه و خاصه اخبار به حد تواتر است که در شأن اهل بیت عصمت وارد است... در بیان حقیقت عصمت است و «رجس» را در این حدیث شریف و احادیث شریفه تفسیر به «شک» فرموده، و در بعض احادیث تطهیر از جمیع عیوب شمرده... یقین کامل انبیا و اطمینان تام آنها، که از مشاهده حضوری حاصل شده، آنها را معصوم از خطیئات نموده... در هر صورت، زوال شرك و شك را و تطهیر از ارجاس و اخبات عالم طبیعت و ظلمات تعلقات به غیر حق تعالی شأنه و کدورت انیت و حجاب غلیظه انانیت و رؤیت غیریت که به اراده ازلیه از انوار قدسیه الهیه و

آیات تامه ربوبیه گردیده و آنها را خلص و خالص برای خود فرموده، از مقاماتی است که به وصف و بیان درست نیاید (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص ۵۵۲-۵۵۳).

ذهب یعنی طلا، اما تهذیب به شکل تحت اللفظی، هم معنای آراستن و هم پیراستن دارد. در دامنه مورد بررسی، استعاره مفهومی تهذیب در همان بافت معنایی تطهیر به کار رفته است. کلیدواژه‌های مربوطه عبارتند از: تهذیب باطن، تهذیب نفس، تحلیل سر:

پیش از این ذکر شد که کلیه علوم اخرویه از سه حال خارج نیست: یا از قبیل علم بالله و معارف است، یا از قبیل علم تهذیب نفس و سلوك إلى الله است، یا از قبیل علم آداب و سنن عبودیت است... و اگر تهذیب باطن و تحلیل سر نگردد و عزم و اراده قوی نشود و قلب مجلای اسماء و صفات نگردد، بهشت اسماء و صفات، که جنت متوسطه است، برای انسان نباشد. و اگر قیام به عبودیت نکند و اعمال و افعال و حرکات و سکنتات او مطابق دستورات شرایع نباشد، بهشت اعمال، که فیها ما تشتهی الأنفس و تلذ الأعین می‌باشد، از برای او نیست (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص ۴۱۲-۴۱۳).

ادرس متن نمونه	بافت متن	حوزه مبدا	طرح‌واره تصویری	حوزه مقصد (اتفاقات سلوک)	نگاشت (سطح و مرتبه تحول)	بافهم‌آیی / لانه‌گیری	کلید مفهومی (دال محوری)	بار ارزشی
۳۱	بیان حقیقت عصمت	تجارب انسانی	پاکسازی	فرآیند تحول معنوی	حوزه ملموس تطهیر و شستشو بر حوزه ناملموس تحول معنوی نگاشته شده است	کشف حجاب	بازیافت	مثبت

۳. تبیین استعاره‌ها

تبیین استعاره‌ها در واقع استخراج نقش تبیین‌گری آنهاست. به گفته چارتریس بلک «نقش تبیین استعاره این است که براساس روابط موجود در حوزه مبدأ، بینشی برای فهم روابط موجود در حوزه مقصد فراهم می‌کند» (چارتریس بلک، ۱۳۹۸، ص ۲۴۲) و به این شکل چارچوبی تبیینی فراهم می‌آید تا بتوانیم وجوه مختلف یک تجربه انتزاعی را با کمک گرفتن از تجارب ملموس بهتر بفهمیم. البته در تبیین به چرایی انتخاب استعاره‌ها نیز توجه می‌شود تا بدانیم چرا فلان وجه پدیده با فلان حوزه مبدأ به شکل استعاری نگاشته شده است. هرچند بخش قابل توجهی از بحث تبیین در لابلای تفسیر استعاره‌ها صورت گرفت اما لازم است مباحث مربوطه به شکل منسجم نیز تجمیع و ارائه شود.

همان‌طور که دیدیم با تفسیر تعبیر استعاری امام در سیاق جملات،^۱ فهرستی از استعاره‌های پرکاربرد به دست آمد. امام خمینی از طریق این استعاره‌ها، حال آگاهانه یا ناخودآگاه، در صدد تبیین تحول معنوی بوده است. پس از درک وزن کمی استعاره‌ها، با بررسی طرح‌واره‌های تصویری در پس هر استعاره و تفسیر آنها براساس حوزه مبدأ و نحوه نگاشت آنها بر حوزه مقصد تلاش کردیم درکی منسجم از استعاره‌های موجود بیابیم. اما مهم‌ترین کاری که در تفسیر استعاره‌ها انجام شد آن بود که با مقایسه و تطبیق موارد مشابه و تجمیع استعاره‌ها به کلیدهای مفهومی یا دال محوری دست یابیم. چنان‌که به کمک جداول تهیه شده دیدیم پنج کلید مفهومی در میان استعاره‌های متعددی که امام خمینی از آنها استفاده می‌کند رواج دارد: ۱. رفت، ۲. بازگشت، ۳. بازفهم، ۴. بازیافت، و ۵. بازداشت (مقاومت در برابر انحراف). البته بازگشت، بازفهم و بازیافت را می‌توان با یکدیگر تجمیع کرد، زیرا هر سه مضمون واحدی دارند و آن برگشتن است. به این شکل می‌توان به سه دسته کلی دست یافت: ۱. رفتن، ۲. برگشتن، و ۳. بازداشتن.

۱. سفر/قدم/مرحله/مقام/منزل/مرتبه/درجه در آثار امام مترادف هم به کار رفته‌اند، پس باید از سیاق جمله استعاره را متوجه شویم.

باز هم می‌توان با تحلیل دال مرکزی سه دسته فوق به این نتیجه رسید که رفتن و برگشتن هر دو کلید مفهومی واحدی دارند و آن کلید نیز حرکت است. البته آنچه که تحول معنوی را می‌سازد فقط حرکت نیست، بلکه وجه دیگر تحول معنوی بازداشت از انحراف است. ترکیب و تعامل مقاومت در برابر انحراف و حرکت است که تحول معنوی را شکل می‌دهد.

پس به این شکل کلید مفهومی اصلی که در این پژوهش شناسایی شد عبارت است از: ۱. حرکت، و ۲. مقاومت (بازداشت از انحراف). استعاره‌هایی را که می‌توان در ذیل حرکت قرار داد به این شکل است:

رفت: سفر، مسافرت، تقرب و هجرت.

بازیافت: طهارت، کشف، مرگ ارادی، تبدیل و تولد.

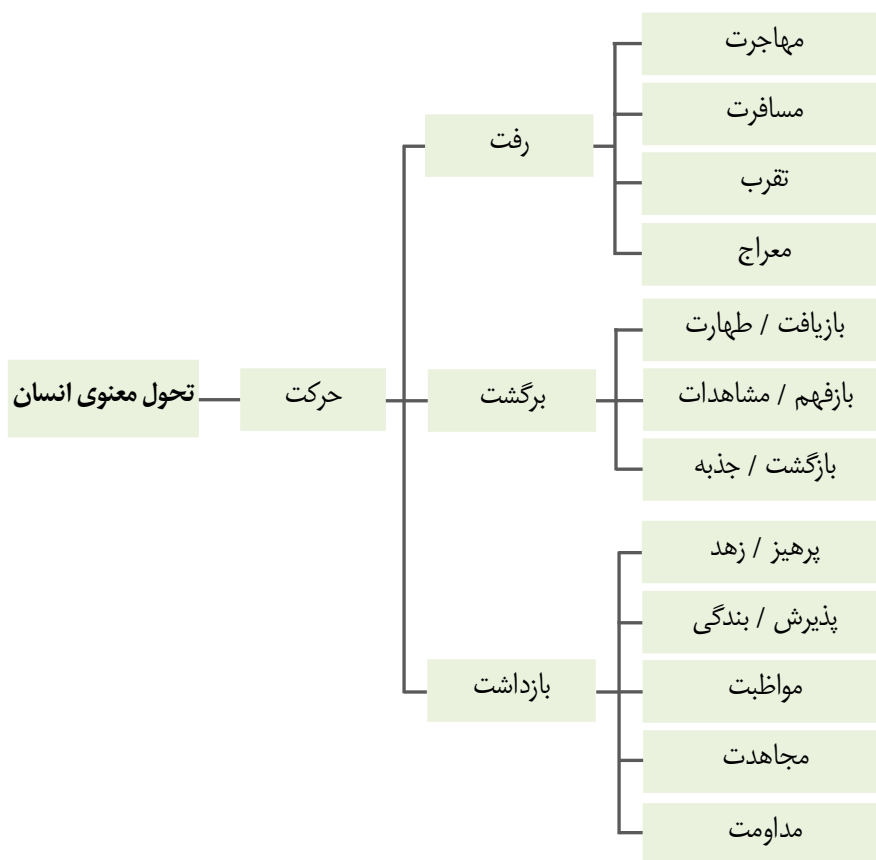
بازفهم: علم و فهمیدن.

همان‌طور که بیان شد دو طریق بازفهم و بازیافت هر دو بازگشت است و در مقابل رفت است. اما استعاره‌هایی که ذیل مقاومت (بازداشت) قرار می‌گیرند و از انحراف در تحول معنوی جلوگیری می‌کنند عبارتند از: مجاهده، مراقبه، ریاضت، و جهاد. این یافته‌ها درواقع تبیینی از روابط درونی پدیده است. یعنی استعاره‌ها تلاش دارند امری انتزاعی و ناملموس را ملموس کنند. اما به‌جهت پیچیدگی و چندبعدی‌بودن این امر، یعنی تجربه تحول معنوی استعاره‌های متعددی به خدمت می‌آیند. روابط این استعاره‌ها به ما کمک کردند تا بفهمیم مفهوم پایه‌ای که مفاهیم مختلف تحول معنوی را با هم مرتبط می‌سازد مفهوم «حرکت» است.

۴. الگوسازی

منظور از الگوسازی در اینجا ارائه منسجم یافته‌های تحقیق است، نه ارائه الگوی تجویزی تحول معنوی از دیدگاه امام خمینی. به‌دست‌آوردن الگوی تحول معنوی به‌مثابه امری توصیه‌ای و تجویزی نیازمند کاوشی مستقل با کمک گرفتن از علوم رفتاری است. تحقیق حاضر با کمک گرفتن از دانش مطالعات عرفانی و برخی نظریه‌های

زبان‌شناختی به دنبال این امر برآمد که امام خمینی چگونه درباره تحول معنوی سخن گفته است. داده‌های کمی و کیفی به دست آمده، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا با ایجاد ارتباط بین آنها، به الگویی مفهومی در باب تحول معنوی دست یابیم. این الگوی مفهومی در واقع توصیفی از تحول معنوی به زبان محاکات است، نه زبان توصیه. همان‌طور که بیان شد، استعاره‌های به دست آمده را می‌توان (با تحلیل نحوه نگاشت حوزه مبدأ بر حوزه مقصد) ذیل پنج کلید مفهومی جای داد: ۱. رفت، ۲. بازگشت، ۳. بازیافت، ۴. بازفهم، و ۵. بازداشت. حال برای درک روابط این پنج کلید مفهومی می‌توان از ساختار زیر کمک گرفت:



از لحاظ آماری نیز نکات جالبی از پژوهش حاضر به دست آمد. مطالعه کمی که ذیل تفسیر استعاره‌های مفهومی در کتاب شرح چهل حدیث انجام شد، به ما نشان داد که استعاره‌هایی که کلید مفهومی آنها «رفت» است ۲۳۰ مورد، «بازگشت» ۷۰۵ مورد، «بازیافت» ۳۷۰ مورد، «بازفهم» ۱۰۸ مورد و «بازداشت» ۳۶۸ مورد است. اگر تقابلی بین استعاره‌های رفت و استعاره‌های برگشت ایجاد کنیم فراوانی استعاره‌های برگشت (شامل بازگشت، بازیافت و بازفهم) تقریباً سه برابر استعاره‌های رفت است و استعاره‌های بازداشت تقریباً یک سوم کل استعاره‌هاست. برای نشان دادن این یافته‌ها در الگویی منسجم ابتدا به تجمیع یافته‌های کمی پژوهش و سپس به ترسیم الگوهای نموداری از آنها خواهیم پرداخت.

شماره	استعاره	تعداد	کلید مفهومی
۱	استقامت	۶۳	بازداشت
۲	جهاد	۵۷	بازداشت
۳	سختی کشیدن/ ریاضت	۵۸	بازداشت
۴	مراقبت	۷۰	بازداشت
۵	طبابت	۱۲۰	بازداشت
۶	مسافرت	۱۲۰	رفت
۷	مهاجرت	۱۸	رفت
۸	نور	۲۸	رفت
۹	تقرب	۵۷	رفت
۱۰	خروج از خانه	۷	رفت
۱۱	تکبیر	۱۹	بازیافت
۱۲	فتح	۴۳	بازیافت
۱۳	امتحان	۴۲	بازیافت

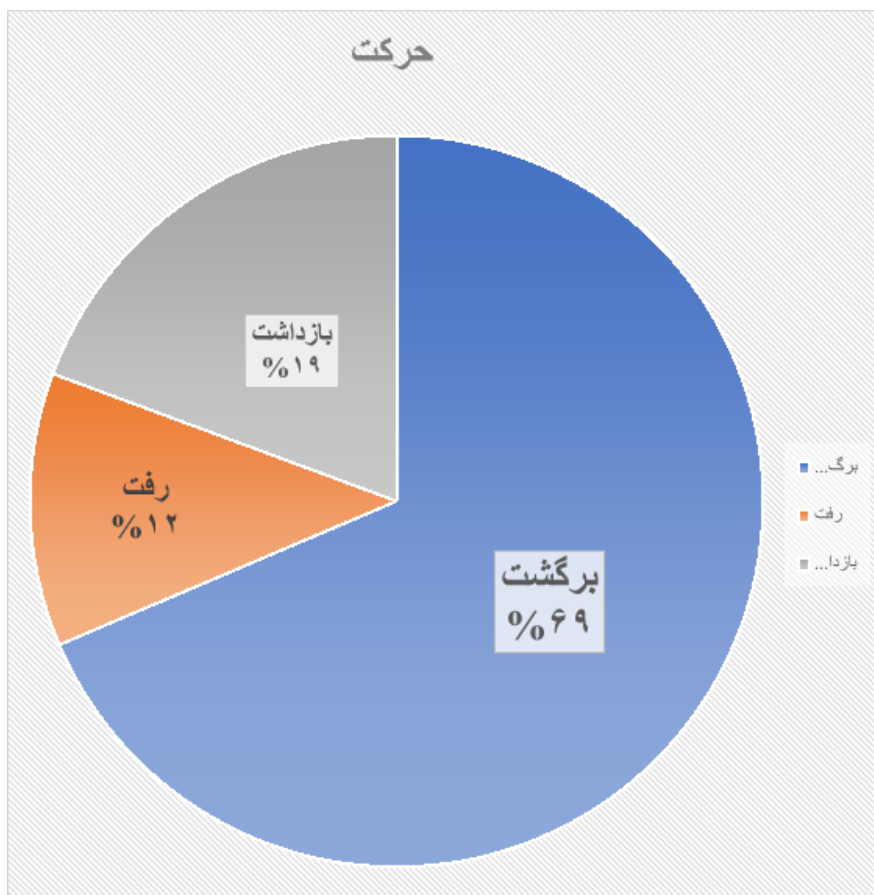
شماره	استعاره	تعداد	کلید مفهومی
۱۴	طهارت	۶۲	بازیافت
۱۵	زنگارزدایی از آینه	۵۵	بازیافت
۱۶	کشف حجاب	۱۴۹	بازیافت
۱۷	معراج	۳۸	بازگشت
۱۸	عاشقی	۱۰۹	بازگشت
۱۹	یکی شدن/فنا	۳۰	بازگشت
۲۰	بندگی	۲۰۰	بازگشت
۲۱	ذلت	۲۳۸	بازگشت
۲۲	تبدیل	۵۵	بازگشت
۲۳	تولد دوباره	۳۵	بازگشت
۲۴	علم/فهم	۱۰۸	بازفهم

با تجميع کليدهای مفهومی، فراوانی هر دسته را می توان به شکل زیر ترسيم کرد:

شماره	کلید مفهومی	فراوانی	رتبه
۱	مقاومت / بازداشت	۳۶۸	۳
۲	رفت	۲۳۰	۴
۳	برگشت	۳۷۰	۲
۴		۷۰۵	۱
۵		۱۰۸	۵

برای نشان دادن وزن استعاره ها و نسبت سنجی آنها می توان از نمودار زیر کمک گرفت. البته باید توجه کرد که وزن این استعاره ها را باید به معنای اهمیت یا بار ارزشی بالاتر یک بعد از پدیده نسبت به ابعاد دیگر دانست، نه حجم بیشتر فعالیت های مربوط به آن در فرآیند تحول معنوی. پس هر چند ارزش کمی کليدهای مفهومی در این شکل

نشان داده می‌شود، اما می‌توان از این امر بار ارزشی آن کلیدهای مفهومی در کلیت تحول معنوی را استنباط کرد که خود امری کیفی است، نه کمی.



نکته مهمی که از تطبیق الگوهای استعاری بر طرائق تحول معنوی در تصوف متوجه می‌شویم آن است که امام خمینی در دستگاه استعاری خود از برخی استعاره‌های رایج در طرائق مذکور استفاده نکرده است. به عنوان مثال در طریقت شطار و طریق وجه خاص استعاره کیمیا و شبکه مفهومی پیرامون آن بسیار پررنگ است، اما به جهت اینکه حوزه مبدأ این استعاره یعنی علم کیمیا از علوم غریبه است و در فقه شیعه با دید حرمت به آن نگریسته شده، امام خمینی از این حوزه مبدأ استفاده نکرده است (امام خمینی، ۱۳۸۰،

ص ۳۹۶)، و به جای آن از حوزه مبدأ طهارت فقهی که مشابَهت‌های زیادی با تطهیر کیمیای داشته، اما کژتابی‌های فقهی و کلامی آن را ندارد، بهره گرفته است.

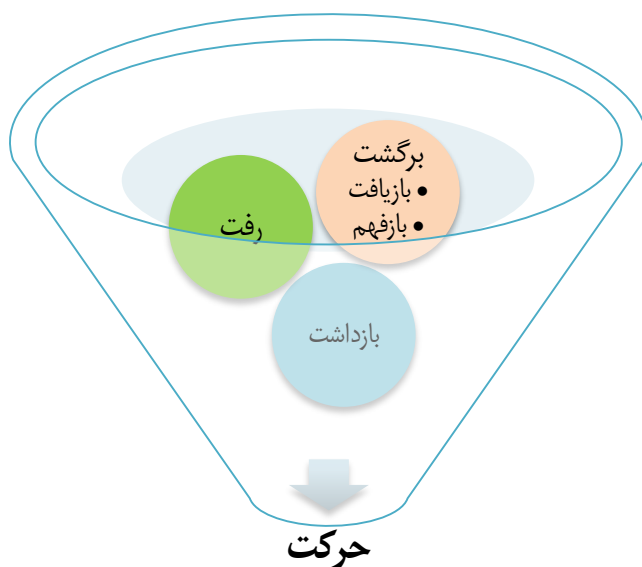
نکته دیگری که با تحلیل کمی استعاره‌ها می‌بینیم این است که حجم قابل توجهی از استعاره‌های مطرح شده مربوط به مراقبت یا مقاومت در برابر انحراف (بازداشت) است. پس، تحول معنوی فقط حرکت نیست، بلکه تلفیقی از حرکت و احتیاط در حرکت (بازداشت) است. استعاره‌هایی که امام برای تبیین این بعد از تحول معنوی به خدمت می‌گیرد از درون مایه‌هایی چون مراقبت بر شرع و استقامت در طریق مستقیم برخوردارند. دیدیم که در دسته‌بندی‌های متصوفه از طریق سیر و سلوک دسته عابدان و زاهدان (طریق ریاضت) دسته‌ای فرعی به حساب می‌آمد و تحول معنوی مربوط به سالکان سه طریق دیگر یعنی طریقت مراتب، شطار و وجه خاص به شمار می‌رفت. اما امام خمینی در شبکه استعاره‌های خود اولاً طریقت ریاضت و مراقبت را قسیم دیگر طریق قرار نمی‌دهد و در دل آنها تعریف می‌کند، و ثانیاً سهم قابل توجهی به این طریقت به عنوان وجهی از تحول معنوی می‌دهد تا نشان دهد که یک بال تحول معنوی حرکت، و بال دیگر آن مراقبت و مقاومت در برابر انحراف در مسیر است.

به هر حال با وجود تفاوت‌های بیان شده می‌توان کلیدهای مفهومی استعاره‌ها در کتاب شرح چهل حدیث را به شکل زیر با طریق تحول معنوی در تصوف (یعنی طریق ریاضت، مراتب، شطار و وجه خاص) تطبیق داد:

۱. تحول معنوی بازداشت است: طریق ریاضت؛
 ۲. تحول معنوی رفت است (سفر، هجرت): طریق مراتب؛
 ۳. تحول معنوی باز یافت است (طهارت و تصفیه): طریق شطار؛
 ۴. تحول معنوی باز فهم است (معرفت اسمائی، تجلی اسمائی): وجه خاص.
- قسم اول یعنی توجه امام به کلید مفهومی بازداشت و انطباق آن بر طریق ریاضت. البته در میان محققانی که درباره عرفان عملی امام خمینی پژوهش کرده‌اند کمتر مورد توجه واقع شده است. هر چند از لحاظ کمی این دسته از کلیدواژگان فراوانی

بیشتری دارد، امام خمینی به طریق بازیافت و بازفهم در کنار طریق مراتب و ریاضت توجه دارد و مبنای این دو یعنی بازگشت به اصل با نظریه فطرت ایشان نیز هماهنگ است (شهری، ۱۴۰۲، صص ۱۱۵-۱۲۰).

براساس یافته‌های فوق می‌توان الگوی استعاری تحول معنوی از منظر امام خمینی را به شکل زیر رسم کرد:



پس امام خمینی در کتاب شرح چهل حدیث برای تبیین تحول معنوی از یک دستگاه استعاری استفاده نکرده است. برای بیان وجوه مختلف این امر انتزاعی امام از طرح‌های متعددی در ترسیم بهره برده است. بحث موت ارادی، تزکیه و تطهیر در کنار استعاره‌های فتح، هجرت، معراج و تقرب استعاره‌های متنوعی است که امام خمینی کل تحول معنوی را با آنها مفهوم‌سازی کرده است. در سطح نظریه تحول معنوی نیز مباحث اسماء، سرالقدر و عین ثابت که برخاسته از طریقت وجه خاص است در آثار امام دیده می‌شود. امام در مباحث اخلاق عرفانی از کاوش‌هایی که ذیل نظریه حال و مقام (طریقت مراتب) و ترسیم پلکانی منازل وجود دارد نیز استفاده کرده است. همچنین

مباحث عبودیت و بندگی و مراقبت و تقوا که مربوط به طریقت اخیار (طریق ریاضت) است، در آثار امام خمینی دیده می‌شود، اما به‌رحال وقتی به سراغ فرایند تحول معنوی در آثار امام خمینی می‌رویم می‌بینیم که از لحاظ کمی کلیدواژگان مشابه طریقت شطار و ادبیات ذیل آن بسیار پررنگ است. در طریق شطار دو مفهوم اساسی وجود دارد: ۱. موت ارادی، و ۲. کیمیا (حسن‌زاده، ۱۴۰۰، صص ۱۸۱-۲۰۲)؛ اولی زمینه را فراهم می‌آورد تا با دومی مراحل تبدیل فلز وجود انجام شود. اگر بار دیگر به تعبیر استعاره‌ی امام خمینی در زمینه تحول معنوی بنگریم، خواهیم دید که این دو مفهوم در دامنه تحلیل‌شده فراوانی بالایی دارد. از یک‌سو استعاره‌هایی چون انکسار، ذلت، بندگی و از همه مهم‌تر استعاره تولد دوباره با فراوانی بالا دلالت بر مفهوم موت ارادی در طریق شطار دارد و از سوی دیگر استعاره‌هایی چون تبدیل، امتحان، کنارزدن حجاب، زنگارزدایی از آئینه و از همه مهم‌تر استعاره طهارت دلالت بر مفهوم کیمیا می‌نماید. اما همان‌طور که گفته شد، به‌جهت تأکید امام خمینی بر ادبیات قرآنی-روایی و پایبندی به اصطلاحات فقهی از تعبیر موت ارادی فقط ذیل حدیث «موتوا قبل ان تموتوا» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۳۲۹) یا دعای امام سجاد (علیه السلام) در شب ۲۷ ماه رمضان «اللهم إني أسألك التجافي عن دار الغرور والإنابة إلى دار السرور والإستعداد للموت قبل حلول الفوت» استفاده کرده‌اند. همان‌طور که گفته شد، امام از کلیدواژه کیمیا نیز به‌جهت حرمت فقهی آن اصلاً استفاده نکرده و استعاره‌ای از آن نساخته‌اند.

۵. اعتبارسنجی

برای اعتبارسنجی یافته‌های تحقیق می‌توان به دسته‌بندی استعاره‌ی آنه ماری شیمل از الگوهای تحول معنوی در عرفان رجوع کرد. یافته‌های پژوهش حاضر شباهت زیادی با یافته‌های پژوهش شیمل دارد. براساس دیدگاه وی سه گونه صورت ذهنی برای بیان تجارب متنوع تحول معنوی در ادیان مختلف وجود دارد: ۱. ترسیم تحول معنوی در قالب سفر، طی طریق و پیشرفت، ۲. ترسیم تحول معنوی در قالب پالایش‌های سخت روح با ریاضت، تصفیه و تطهیر و کیمیاگری، و ۳. ترسیم تحول معنوی در قالب

دورافتادگی عاشق از معشوق، یا میل فراوان به اتحاد و بازگشت به وحدت آغازین و پایان دادن به فراغ و دلتنگی (شیمل، ۱۳۷۴، صص ۳۷-۳۸).

براساس سه گانه‌ای که شیمل بیان می‌کند استعاره‌های حضرت امام در باب تحول معنوی را می‌توان به این شکل دسته‌بندی کرد:

۱. **سفر و پیشرفت:** تحول معنوی سفر است، تحول معنوی هجرت است، و تحول معنوی رفتن از ظلمت به نور است.

۲. **ریاضت و تصفیه:** تحول معنوی تبدیل است، تحول معنوی طهارت است، و تحول معنوی تولد دوباره است.

۳. **دلتنگی و بازگشت:** تحول معنوی عاشقی است، تحول معنوی معراج است، تحول معنوی طبابت است، تحول معنوی بازگشت به فطرت مخموره است، تحول معنوی فتح قلعه‌هایی است که در دست دشمن افتاده، تحول معنوی بازگشت به بهشت است، تحول معنوی تکبیرة الاحرام است، و تحول معنوی کشف حجاب است.

البته استعاره تحول معنوی بازداشت (مقاومت در برابر انحراف) است، در بررسی شیمل وجود ندارد. این نکته را می‌توان حاکی از امری بدیع و مختص به درک امام خمینی از ساختار کشمکش‌های درونی انسان در تحول معنوی دانست.

این اعتبارسنجی را با تطبیق یافته‌های تحقیق بر الگوهای تحول معنوی که در تراث عرفان اسلامی مطرح است نیز می‌توان ارائه کرد. همان‌طور که گفته شد، الگوی استعاری «رفتن» معادل طریق ترتیب یا تحول معنوی مراتبی / منازل است. «بازیافت» معادل طریق شطار و «بازفهم» معادل طریق وجه خاص است. از نگاه امام، طی این طرق یعنی طریق تحول معنوی (که ابعاد آن با کلیدهایی مفهومی همچون رفتن، برگشت و بازداشتن ترسیم شد) بدون هدایت معصوم و چارچوب شریعت ممکن نیست. خصوصاً طریق وجه خاص یا بازفهم که کوتاه‌تر و سریع‌تر است؛ زیرا این طریق مبتنی بر درک اسماء الهی است و طریقت اسماء نیازمند هدایت معصوم است (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص ۵۴۳-۵۴۴). اما به هر حال می‌توان انواع طرائق تحول معنوی که در فصل دوم از قول ابن‌ترکه،

نجم کبری و شاگردان ابن عربی تقسیم‌بندی شد را در دسته‌بندی استعاره‌های مفهومی (کلیدهای مفهومی) امام خمینی مشاهده کرد:

شماره	کلید مفهومی	طریقت مربوطه
۱	رفت	طریق مراتب / طریق منازل / سلسله‌ترتیب
۲	بازیافت	طریق شطار
۳	بازفهم	طریق وجه خاص
۴	مقاومت (بازداشت)	طریق ریاضت / طریق معاملات

نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه می‌توان یافته‌های تحقیق حاضر را چنین دانست:

۱. در کتاب شرح چهل حدیث برای بیان تحول معنوی ۲۵ استعاره شناسایی شد که با تجمیع آنها می‌توان استعاره اصلی را چنین دانست: «تحول معنوی حرکت است».
۲. در کتاب شرح چهل حدیث حوزه‌های مبدأ استعاری (مانند حوزه‌های مبدأ استعاره‌های قرآن) متنوع است و محدود به استعاره راه و مسافرت نیست. باین حال بیشترین فراوانی با استعاره‌های مربوط به طهارت، انکسار و تولد دوباره و کلید مفهومی «بازگشت» است.
۳. در دامنه موردبررسی از حوزه‌های مبدأ قرآنی، روایی و فقهی برای ساخت استعاره استفاده شده است که طهارت، قرب، جهاد، فتح، معراج و بندگی از این جمله است، اما به‌عنوان مثال کیمیا به‌عنوان حوزه مبدأ قرار نگرفته، زیرا در ادبیات قرآنی، روایی و فقهی جایگاهی ندارد.
۴. در ساخت استعاره‌ها و شبکه واژگان آنها، امام خمینی از سنت عرفان اسلامی نیز بهره برده‌اند اما تا جایی که آن شبکه واژگانی پشتوانه قرآنی داشته است؛ مثلاً در دامنه موردبررسی «تحول معنوی تناسخ است» به کار نرفته، اما «تحول معنوی احیا و زنده‌شدن است»، چون تعبیری قرآنی است به‌جای آن به کار رفته است. یا به‌جای استعاره «تحول

معنوی گداختن است» استعاره «تحول معنوی تطهیر است» به کار رفته، یا استعاره «تحول معنوی مردن ارادی است» اصلاح شده و به جای آن استعاره «تحول معنوی بندگی کردن و تکبیر است» به کار رفته است.

همان‌طور که بیان شد، طرح‌واره پایه در این استعاره‌ها «حرکت» است، و در سه کلید مفهومی یعنی رفتن، برگشتن و بازداشتن تجلی یافته است. براساس پژوهش حاضر، «حرکت» اساساً وجه محوری تحول معنوی در عرفان عملی امام خمینی است. به عبارت دیگر، استعاره‌های مفهومی متعدد در آثار امام یک وجه مشترک دارند و آن این است که تحول معنوی را حرکت به سمت خداوند می‌دانند. اما این حرکت چون حرکتی معنوی است و نه مادی، استعاره مسافرت و طرح‌واره راه (تئوری حالات و مقامات) فقط بعدی از آن را نشان می‌دهد و برای بیان دیگر ابعاد آن امام خمینی از استعاره‌های مفهومی دیگری چون عشق، جهاد، فتح، تکبیر، تبدیل، تطهیر و... که ریشه در قرآن و روایات دارند استفاده کرده است.

فهرست منابع

- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۵). موسوعة الإمام الخميني رحمه الله: تفسير سورة حمد (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸). آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۰). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۱). سر الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲). موسوعة الإمام الخميني رحمه الله (تعليقات على شرح فصوص الحكم ومصباح الأنس) (ج ۴۵، چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۶۴). تعليقات على شرح فصوص الحكم ومصباح الأنس. تهران: انتشارات پاسدار اسلام.
- بالایی، فائزه؛ یوسف ثانی، سید محمود. (۱۳۹۷). آراء اختصاصی امام در عرفان عملی (رساله دکتر). تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- بالایی، فائزه؛ یوسف ثانی، سید محمود. (۱۳۹۹). تبیین مدل های مختلف بیان مقامات و منازل عرفانی براساس دیدگاه امام خمینی رحمه الله، فصلنامه پژوهشنامه متین، ۲۲ (۸۸).
- پیغمبری، امیدرضا. (۱۳۹۹). طریق شطار و وجه خاص در فتوت نامه عبدالرزاق کاشانی، دوفصلنامه کاشان پژوهی، (۲۴).
- چارتریس بلک، جانانان. (۱۳۹۸). تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی-پیکره ای. قم: لوگوس.
- حسن زاده کریم آباد، داود. (۱۴۰۰). نزدیک ترین راه عملی وصول به عوالم غیب از دیدگاه عرفان اسلامی. قم: دانشگاه باقرالعلوم.

دولتی، آذر؛ میردهقان فراشاه، مهین ناز؛ قائمی نیا، علیرضا. (۱۴۰۱) حوزه های مفهومی واژه «هدایت» در قرآن کریم در چارچوب رویکرد تحلیل انتقادی چارتریس بلک از استعاره های مفهومی. فصلنامه ذهن ۲۳(۹۲).

راشدی نیا، اکبر. (۱۳۹۱). مقامات عرفانی، دوفصلنامه معارف عقلی (۲۴).

رضایی تهرانی، علی. (۱۴۰۰). سیروسلوک: طرحی نو در عرفان عملی شیعی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

شهروی، اعظم؛ مهدی پور، حسن. (۱۴۰۲). نظام سلوکی براساس آرای انسان‌شناختی امام خمینی (رساله دکتری). تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

شیواپور، حامد. (۱۳۹۴). نظریه روح معنا در تفسیر قرآن. قم: دانشگاه مفید.

شیمل، آنه ماری. (۱۳۷۴). ابعاد عرفانی اسلام (مترجم: عبدالرحیم گواهی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

فروزانفر، احمد. (۱۳۹۸). تحلیل زبان‌شناسانه استعاره مفهومی «عشق» در غزلیات امیرخسرو دهلوی، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، (۲).

لیکاف، جورج؛ جانسون، مارک. (۱۳۹۸). استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم (مترجم: جهان‌شاه میرزاییگی). تهران: نشر آگاه.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳). مرآت العقول (ج ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

وکیلی، هادی؛ گودرزی، پرینسا؛ امانی، محبوبه. (۱۳۹۲). اسفار اربعه عرفانی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و حکیم قمشه‌ای. دوفصلنامه پژوهشنامه عرفان، ۴(۸).

وکیلی، هادی؛ هادیان، الهه. (۱۳۸۷). مراحل سیروسلوک عرفانی از منظر امام خمینی علیه السلام. فصلنامه متین، ۱۰(۴۱).

هوشیاری، جعفر، شجاعی، محمد صادق، الهی، حسین. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت و ساختار آن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام. دوفصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، (۲).

یثربی، یحیی. (۱۳۸۹). عرفان عملی. قم: بوستان کتاب.

References

- Balai, F., & Thani, Y. M. (2018). *The Exclusive Views of Imam Khomeini in Practical Mysticism* (Doctoral dissertation). Tehran: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute. [In Persian]
- Balai, F., & Thani, Y. M. (2020). Clarification of Various Models for Describing Mystical Stations and States Based on Imam Khomeini's Perspective. *Matin Journal*, 22(88). [In Persian]
- Chartres Black, J. (2019). *Critical Analysis of Metaphors: A Cognitive-Corpus Approach*. Qom: Logos. [In Persian]
- Dolati, A., Mirdehqan Farashah, M. N., & Qaemi-Nia, A. (2022). The conceptual domains of the word "Guidance" in the Holy Qur'an within the framework of Charteris-Black's critical metaphor analysis approach. *Zehn*, 23(92). [In Persian]
- Forouzanfar, A. (2019). A Linguistic Analysis of the Conceptual Metaphor "Love" in the Ghazals of Amir Khosrow Dehlavi. *Persian Rhyme and Meter Studies Quarterly*, (2). [In Persian]
- Hassanzadeh, D. (2019). *The Nearest Practical Path to the Unseen Realms in Islamic Mysticism*. Qom: Baqir al-Olum University. [In Persian]
- Hoshyari, J., et al. (2019). Factors Affecting the Formation of Personality and Its Structure from Imam Khomeini's Viewpoint. *Islamic Psychology Research*, (2). [In Persian]
- Imam Khomeini, S. R. (1985). *Ta'aliqat ala Sharh Fusus al-Hikam va Misbah al-Uns*. Tehran: Pasdaran-e Islam Publications. [In Persian]
- Imam Khomeini, S. R. (1996). *Encyclopedia of Imam Khomeini: Interpretation of Surah Al-Hamd*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. First edition. [In Persian]
- Imam Khomeini, S. R. (1999). *Etiquette of Prayer*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Imam Khomeini, S. R. (2001). *Explanation of Forty Hadiths*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

- Imam Khomeini, S. R. (2002). *The Secret of Prayer*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Imam Khomeini, S. R. (2013). *Encyclopedia of Imam Khomeini (r.a.), Volume 45: Commentaries on "Fusus al-Hikam" and "Misbah al-Uns"*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. First edition. [In Persian]
- Lakoff, G., & Johnson, M. (2019). *Metaphors We Live By* (J. Mirzabeigi, Trans.). Tehran: Agah Publications. [In Persian]
- Majlesi, M. B. (1984). *Mir'at al-Uqul*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
- Peighamberi, O. R. (2020). The Special Way and Face in the "Futuwah" of Abd al-Razzaq Kashani. *Kashan Studies Quarterly*, (24). [In Persian]
- Rashidinia, A. (2012). Mystical States. *Ma'aref Aqli Journal*, (24). [In Persian]
- Rezaei Tehrani, A. (2021). *The Conduct: A New Plan in Shiite Practical Mysticism*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Schimmel, A. M. (1995). *The Mystical Dimensions of Islam* (A. Gohari, Trans.). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
- Shahroui, A., & Mahdipour, H. (2023). *The Mystical System According to Imam Khomeini's Anthropological Views* (Doctoral dissertation). Tehran: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute. [In Persian]
- Shivapour, H. (2015). *The theory of the spirit of meaning in the interpretation of the Qur'an*. Qom: Mofid University. [In Persian]
- Vakili, H., & Hadian, E. (2008). The Stages of Mystical Conduct from Imam Khomeini's Perspective. *Matin Journal*, 10(41). [In Persian]
- Vakili, H., Goudarzi, P., & Amani, M. (2013). The Four Mystical Journeys from Imam Khomeini's and Hakim Qomshahi's Perspectives. *Journal of Mystical Studies*, 4(8). [In Persian]
- Yasrebi, Y. (2010). *Practical Mysticism*. Qom: Bustan-e-Kitab. [In Persian]